

ارتباطی ویژه و همچنین رضایت از برآورده شدن آن‌ها با سازگاری زناشویی دارای ارتباط مثبت است و این رابطه در مورد ناراحتی از برآورده نشدن معیارها معنادار نبود. این یافته بیانگر این مطلب است که رضایت از برآورده شدن معیارهای ارتباطی سبب رضایت سازگاری زناشویی می‌شود و برعکس عدم رضایت از برآورده شدن منجر به کاهش سازگاری و رضایت زناشویی می‌شود. همچنین مطالعه کاهن و سایر (۲۰۰۵) نیز نشان داد که معیارهای ارتباطی بالا و شدید در زوجینی که مشکلی نداشتند و از برآوردن معیارها راضی بودند با رضایت زناشویی رابطه مثبت داشت و این معیارها در زوجین متعارض با رضایت پایینی از زندگی زناشویی همراه بود. تحقیقات متعددی نشان می‌دهد که الگوی تقاضا و کناره‌گیری، در زندگی زوجها رابطه منفی با رضایت زناشویی دارد (گرین و برلسون، ۲۰۰۳؛ هوی، کریستنسن و ملاموت ۱۹۹۵؛ نولر، فینی، بونل و کلان، ۱۹۹۴). همچنین کریستنسن و شنک (۱۹۹۱) در پژوهش‌های خود الگوی توقع / کناره‌گیری را با نارضایتی افسردگی و طلاق مرتبط دانسته‌اند. گاتمن و لوینسون (۲۰۰۰) الگوهای ارتباطی زوجین را یکی از پیش‌بینی کننده‌های قوی طلاق در ۷ سال اول ازدواج می‌دانند. لورنتز (۲۰۰۲) در یک مطالعه طولی ارتباط بین توقع/کناره‌گیری و تغییرات رضایت را در ۴۶ زوج مورد بررسی قرارداد. نتایج حاکی از همبستگی بین الگوی توقع/کناره‌گیری و عدم رضایت زناشویی بود که تا حدی دوام پیدا می‌کند.

ایمان نژاد (۱۳۸۸) رابطه بین الگوی ارتباطی، سلامت روان و رضایت زناشویی را بررسی نمود. وی دریافت بین الگوهای ارتباطی و سلامت روان رابطه وجود دارد. بدین شکل که بین الگوی سازنده متقابل و سلامت روان رابطه مثبت معنادار و بین سایر الگوها و سلامت روان رابطه منفی و معنادار وجود دارد. همچنین بین الگوی ارتباطی سازنده متقابل و رضایت زناشویی رابطه مثبت معنادار و سایر الگوها رابطه منفی معنادار وجود دارد و الگوهای ارتباطی در زنان و مردان نیز تفاوت معنادار دارد. کلون و رلف (۱۹۹۰) در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که الگوی توقع / کناره‌گیری به گونه‌ای مثبت به میزان عدم رضایت زنان که مسئولیت بخش‌های خانه‌داری را تجربه می‌کنند، ارتباط دارد. ادیب راد (۱۳۸۵) به بررسی رابطه باورهای ارتباطی با دلزدگی زناشویی و مقایسه آن در زنان متقاضی طلاق و زنان خواهان زندگی مشترک پرداخت. نتایج نشان‌دهنده تفاوت معنادار بین باورهای ارتباطی (کل) و خرده مقیاس‌های باور به تخریب‌کنندگی، مخالفت، انتظار ذهن‌خوانی و تغییرناپذیری همسر بود ولی تفاوت بین دو خرده مقیاس کمال‌گرایی جنسی، باور به تفاوت جنسیتی در دو گروه معنادار نبود. نتایج همچنین نشان‌دهنده تفاوت معنادار بین دلزدگی زناشویی در زنان متقاضی طلاق و زنان مایل به ادامه زندگی مشترک بود. در چند تحقیق دیگر از جمله: (پایینز، ۲۰۰۵؛ بشارت و همکاران، ۱۳۹۱) مشخص گردید که سبک دلبستگی با دلزدگی همبسته است، به طوری که همبستگی مثبتی بین سبک نایمن (اجتنابی و دوسوگرا) و دلزدگی وجود دارد و همچنین دلبستگی نقشی تعدیل‌کننده در رابطه عقاید غیرمنطقی و رضایت زناشویی دارد.

بدین‌سان هدف از این تحقیق بررسی رابطه معیارهای ارتباطی غیرواقعی با الگوهای ارتباطی و نقش آن‌ها در پیش‌بینی دلزدگی زناشویی زنان متقاضی طلاق است. درواقع پژوهش حاضر به دنبال آزمون فرض‌های زیر است:

۱. بین معیارهای ارتباطی غیرواقعی با الگوهای ارتباطی در زنان متقاضی طلاق دارای رابطه وجود دارد.
۲. معیارهای ارتباطی غیرواقعی (قدرت، مرز، سرمایه‌گذاری بیانی و عملی) می‌تواند دلزدگی زناشویی را در زنان متقاضی طلاق پیش‌بینی کند.
۳. الگوهای ارتباطی (سازنده متقابل، اجتناب متقابل و توقع / کناره‌گیری) می‌تواند دلزدگی زناشویی را در زنان متقاضی طلاق پیش‌بینی کند.

## روش

### جامعه آماری، نمونه و روش اجرای پژوهش

طرح پژوهش حاضر توصیفی و از نوع همبستگی بود. جامعه آماری کلیه زنان مراجعه‌کننده به شعب شش‌گانه دادگاه‌های خانواده مناطق شهری شهر تهران در سال ۹۲ بود که با استفاده از روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای ابتدا از میان شعب و سپس از میان زنان متقاضی طلاق تعداد ۱۸۸ نفر انتخاب شدند و به پرسشنامه‌های پژوهش پاسخ دادند. زنان متقاضی طلاق در بازه زمانی فروردین‌ماه ۱۳۹۲ تا آذرماه همین سال درخواست طلاق خود را به شعب مربوطه تسلیم نموده بودند. لازم به ذکر است از لحاظ سنی، ۲۷ درصد آنان بالای ۴۰ سال و ۳۲ درصد آنان را زنان بین ۳۰ تا ۴۰ سال و ۴۱ درصد آنان را زنان زیر ۳۰ سال تشکیل می‌دادند. همچنین ۳۸ درصد افراد نمونه دارای تحصیلات زیر دیپلم و دیپلم و ۶۲ درصد دارای تحصیلات دانشگاهی بودند. شیوه گردآوری داده‌ها با استفاده از پرسشنامه خود سنجی و تجزیه تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS20 انجام گرفت.

### ابزار پژوهش

پرسشنامه استانداردهای ارتباطی ویژه (ISRS)<sup>۱</sup>: یک پرسشنامه ۴۸ ماده‌ای است و معیارهای ارتباطی زوجین را در روابط زناشویی می‌سنجد. معیارها در چهار حیطه اندازه‌گیری می‌شوند: ۱. مرزها ۲. کنترل / قدرت ۳. سرمایه‌گذاری بیانی و ۴. سرمایه‌گذاری عملی. معیارها در مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای از هرگز (۱) تا همیشه (۵). کمترین نمره معیارهای ارتباطی در این پرسشنامه ۴۸ و بیشترین نمره ۲۴۰ است و هرچه نمره بیشتر باشد معیارها سرسختانه‌تر و غیرواقعی‌ترند. آلفای کرونباخ این مقیاس به‌وسیله بوکام و همکاران

1. Inventory of specific relationship standards

(۱۹۹۶) بین ۰/۶۵ تا ۰/۷۷ درصد محاسبه شده است. همچنین میزان این شاخص اعتبار در پژوهش برانزنده و همکاران (۱۳۸۵) برای خرده مقیاس‌های مرزها، کنترل / قدرت، سرمایه‌گذاری بیانی، سرمایه‌گذاری عملی و کل به ترتیب ۰/۹۰، ۰/۹۱، ۰/۸۳، ۰/۸۷ و ۰/۹۶ محاسبه شد. در تحلیل عاملی اجرایشده جهت تعیین روایی پرسشنامه به‌وسیله برانزنده و همکاران (۱۳۸۵) معیارهای چهارگانه به‌طور کلی ۰/۵۴ بار عاملی پرسشنامه را تعیین کردند.

**مقیاس دلدگی زناشویی<sup>۱</sup> (CBM):** این پرسشنامه توسط پاییز در سال ۱۹۹۶ ساخته شد. این مقیاس دارای ۲۱ سؤال است و در طیف لیکرت ۷ درجه‌ای از هرگز الی همیشه اندازه‌گیری می‌شود. این مقیاس، دلدگی زناشویی را در ۳ حیطه روانی عاطفی و جسمی اندازه‌گیری می‌کند. پاییز (۱۳۸۱) ضریب پایایی باز آزمایشی آزمون را در سه دوره یک، دو و چهارماهه به ترتیب ۰/۸۹، ۰/۷۶ و ۰/۶۶ محاسبه نمود. همچنین ثبات درونی نیز بین ۰/۹۱ تا ۰/۹۳ محاسبه گردید. همچنین نویدی (۱۳۸۴) به نقل از ادیب راد (۱۳۸۵) نیز آلفای کرونباخ این آزمون را ۰/۸۶ محاسبه نمود.

**پرسشنامه الگوهای ارتباطی<sup>۲</sup> (CPQ):** این پرسشنامه در سال ۱۹۸۴ توسط کریستنسن و سالوی در دانشگاه کالیفرنیا ساخته شد و توسط عبادت پور (۱۳۷۹) در ایران ترجمه و هنجاریابی شد. پرسشنامه شامل ۳۵ سؤال است که دارای طیف لیکرت ۹ درجه‌ای است. همچنین پرسشنامه سه الگوی مختلف ارتباطی را می‌سنجد: الگوی سازنده متقابل، الگوی اجتناب متقابل، الگوی توقع / کناره‌گیری. هیوی، لارسن، زاموتل و کریستنسن (۱۹۹۶) روایی ملاکی و روایی سازه را برای خرده مقیاس الگوی ارتباط سازنده متقابل محاسبه نمودند، نتایج حاصل نشان‌دهنده همبستگی ۰/۷۲ بود. همچنین آن‌ها به‌منظور برآورد روایی سازه این مقیاس همبستگی نمرات را با مقیاس سازگاری زناشویی<sup>۳</sup> (DAS) محاسبه نمودند که ضرایب همبستگی به‌دست‌آمده برای مردان و زنان به ترتیب ۰/۵۴ و ۰/۶۱ بود. هیوی و همکاران (۱۹۹۶) میزان ثبات درونی برای خرده مقیاس ارتباط سازنده متقابل را به دست آوردند. آلفای کرونباخ برای مردان و زنان در این خرده مقیاس ۰/۸۴ و ۰/۸۱ محاسبه شد. عبادت پور (۱۳۷۹) به‌منظور برآورد روایی پرسشنامه، همبستگی بین مقیاس‌های این پرسشنامه و پرسشنامه رضایت زناشویی را محاسبه کرده است. ضرایب همبستگی به‌دست‌آمده برای سه خرده مقیاس ارتباط سازنده متقابل، ارتباط اجتناب متقابل و ارتباط توقع / کناره‌گیری به ترتیب عبارت‌اند از ۰/۵۸، ۰/۵۸-، ۰/۳۵ بود. همچنین خجسته مهر، عطاری و شیرالی نیا (۱۳۸۸) پایایی پرسشنامه را در شهر اهواز بررسی کردند و آلفای کرونباخ پرسشنامه ۰/۶۰ تا ۰/۷۳ محاسبه شد.

- 
1. Couple burnout measurement
  2. Communication Patterns Questionnaire
  3. Depression, Anxiety and Stress Scale

## یافته‌ها

در جدول ۱ اطلاعات توصیفی از جمله میانگین و انحراف استاندارد و تعداد افراد نمونه آمده است.

جدول ۱

یافته‌های توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	تعداد
معیار قدرت	۳۹/۲۲	۱۰/۰۷	
معیار مرز	۳۸/۶۳	۱۱/۵۶	
معیار سرمایه‌گذاری بیانی	۴۳/۶۲	۸/۲۶	
معیار سرمایه‌گذاری عملی	۴۱/۲	۱۰/۹۹	۱۸۸
الگوی ارتباطی سازنده متقابل	۲۵/۰۸	۱۱/۲۲	
الگوی ارتباطی اجتناب متقابل	۲۸/۳۳	۱۳/۴۰	
الگوی ارتباطی توقع / کناره‌گیری	۳۷/۴۱	۱۰/۰۲	
دلزدگی زناشویی	۵۹/۹۴	۱۷/۳۵	

جدول ۲

ضرایب همبستگی میان متغیرهای معیارهای ارتباطی، الگوهای ارتباطی و دلزدگی زناشویی

متغیرها	سازنده متقابل	اجتناب متقابل	توقع / کناره‌گیری	دلزدگی زناشویی
معیار قدرت	-.۰/۲۷**	۰/۱۸*	۰/۴۹**	۰/۵۴**
معیار مرز	-.۰/۲۳**	۰/۱۳	۰/۵۰**	۰/۲۷**
معیار سرمایه‌گذاری بیانی	-.۰/۳۱**	۰/۲۴**	۰/۵۱**	۰/۴۷**
معیار سرمایه‌گذاری عملی	-.۰/۱۶*	۰/۲۸**	۰/۳۴**	۰/۳۹**
دلزدگی زناشویی	-.۰/۳۸**	۰/۴۶**	۰/۶۱**	-----

\*\*  $p < .01$  \*  $p < .05$

در جدول ۲ همبستگی متغیرها مشاهده می‌شود. رابطه الگوی ارتباطی سازنده متقابل با معیارهای قدرت، مرز، سرمایه‌گذاری بیانی و سرمایه‌گذاری عملی به ترتیب  $-.۰/۲۷$ ،  $-.۰/۲۳$ ،  $-.۰/۳۱$  و  $-.۰/۱۶$  بود که همگی در سطح  $(0/01)$  معنادارند. همچنین رابطه الگوی اجتناب متقابل با چهار معیار مذکور به ترتیب  $0/18$ ،  $0/13$ ،  $0/24$  و  $0/28$  بود که اولی در سطح  $(0/05)$  معنادار بود، دومی معنادار نبود و سوم و چهارمی در سطح  $(0/01)$  معنادار بودند. و رابطه الگوی توقع / کناره‌گیری نیز با معیارهای غیرواقعی چهارگانه ارتباطی  $0/49$ ،

۰/۵۰، ۰/۵۱ و ۰/۳۴ بود که همگی در سطح (۰/۰۱) معنادار بودند. رابطه دلزدگی زناشویی با معیارهای ارتباطی قدرت، مرز، سرمایه‌گذاری بیانی و سرمایه‌گذاری عملی به ترتیب ۰/۵۴، ۰/۲۷، ۰/۴۷ و ۰/۳۹ هست که همگی در سطح (۰/۰۱) همگی معنادارند. همچنین رابطه دلزدگی زناشویی با الگوهای ارتباطی سازنده متقابل، اجتناب متقابل و توقع / کناره‌گیری نیز به ترتیب ۰/۳۸-، ۰/۴۶ و ۰/۶۱ بود که همگی در سطح (۰/۰۱) معنادارند.

جدول ۳

پیش‌بینی دلزدگی زناشویی زنان متقاضی طلاق از طریق معیارهای ارتباطی غیرو واقعی

متغیر ملاک	متغیرهای پیش‌بین	B	$\beta$	T	sig
معیار قدرت		۰/۷۱	۰/۴۱	۶/۸۸	۰/۰۰۰
معیار مرز		۰/۳۳	۰/۱۸	۲/۶۱	۰/۰۳
دلزدگی زناشویی	معیار سرمایه‌گذاری بیانی	۰/۵۶	۰/۳۸	۴/۲۶	۰/۰۰۱
	معیار سرمایه‌گذاری عملی	۰/۴۲	۰/۲۷	۳/۱۶	۰/۰۰۴

$$R = ۰/۴۶^{**} \quad R^2 = ۰/۲۲^{**} \quad \Delta R = ۰/۲۱^{**} \quad F_{reg} = ۴۷/۲۶^{**}$$

$$** p < ۰/۰۱ \quad * p < ۰/۰۵$$

بر اساس اطلاعات جدول ۳ معیارهای قدرت، مرز، سرمایه‌گذاری بیانی و عملی که همبستگی معناداری را با دلزدگی زناشویی زنان متقاضی طلاق داشتند، مدل پیش‌بینی معنی‌داری را پدید آوردند ( $P < ۰/۰۱$ ). ( $F = ۴۷/۲۶$ ) و به صورت مشترک ۰/۲۱ واریانس دلزدگی زناشویی را تبیین کردند. همچنین اطلاعات جدول نشان می‌دهد که با افزایش یک انحراف استاندارد معیارهای قدرت، مرز، سرمایه‌گذاری بیانی و سرمایه‌گذاری عملی، متغیر دلزدگی زناشویی بر اساس آن‌ها به ترتیب ۰/۴۱، ۰/۱۸، ۰/۳۸ و ۰/۲۷ انحراف استاندارد افزایش می‌یابد. قوی‌ترین پیش‌بینی کننده دلزدگی زناشویی در میان معیارهای ارتباطی نیز معیار قدرت بود ( $\beta = ۰/۴۱$  و  $T = ۶/۸۸$ ).

بر اساس اطلاعات جدول ۴ (زیر) الگوهای ارتباطی که همبستگی معناداری را با دلزدگی زناشویی داشتند مدل پیش‌بینی معنی‌داری را پدید آوردند ( $P < ۰/۰۱$ )، ( $F = ۶۶/۵۱$ ) و به صورت مشترک ۰/۶۰ واریانس دلزدگی زناشویی را تبیین کردند. همچنین اطلاعات جدول نشان می‌دهد که با افزایش یک انحراف استاندارد الگوی ارتباطی سازنده متقابل، دلزدگی زناشویی ۰/۴۱ کاهش یافته و با افزایش یک انحراف استاندارد الگوهای اجتناب متقابل و توقع / کناره‌گیری، دلزدگی زناشویی بر اساس آن‌ها به ترتیب ۰/۴۸ و ۰/۵۵ افزایش می‌یابد.

در این مدل الگوی توقع / کناره‌گیری قوی‌ترین پیش‌بینی کننده دلزدگی زناشویی در زنان متقاضی طلاق بود ( $T = ۱۰/۴۱$  و  $\beta = ۰/۵۵$ ).

جدول ۴

پیش‌بینی دلزدگی زناشویی زنان متقاضی طلاق از طریق الگوهای ارتباطی					
متغیر ملاک	متغیرهای پیش‌بین	B	$\beta$	T	sig
	الگوی ارتباطی سازنده متقابل	-۰/۶۳	-۰/۴۱	-۷/۷	۰/۰۰۰
دلزدگی زناشویی	الگوی ارتباطی اجتناب متقابل	۰/۶۲	۰/۴۸	۹/۰۶	۰/۰۰۰
	الگوی ارتباطی توقع / کناره‌گیری	۰/۸۲	۰/۵۵	۱۰/۴۱	۰/۰۰۰
R= ۰/۷۸ ** R <sup>2</sup> = ۰/۶۱ ** $\Delta R=۰/۶۰$ ** F <sub>reg</sub> = ۶۶/۵۱ **					
** p<۰/۰۱ * p<۰/۰۵					

### بحث

عقاید غیرمنطقی خواسته‌ها و اهدافی هستند که به صورت ترجیحات ضروری و الزامی درمی‌آیند و تبدیل به اهدافی اجباری، الزامی و قطعی می‌گردند، به طوری که اگر برآورده نشوند موجب آشفتگی فرد می‌گردند (نتون هوجیسن و همکاران، ۲۰۱۰). هدف از این پژوهش بررسی رابطه معیارهای ارتباطی غیرواقعی و الگوهای ارتباطی و نقش آن‌ها در پیش‌بینی دلزدگی زناشویی زنان متقاضی طلاق بود. در مورد فرضیه اول مبنی بر رابطه معنادار معیارهای ارتباطی غیرواقعی و الگوهای ارتباطی، فرضیه تحقیق تأیید می‌گردد، معیار ارتباطی مرز و الگوی ارتباطی اجتناب متقابل معنی‌دار نبود ( $p > ۰/۰۵$ ،  $۰/۱۳$ ). در بقیه موارد الگوی سازنده متقابل با معیارهای قدرت، مرز و سرمایه‌گذاری بیانی در سطح ( $۰/۰۱$ ) و با معیار سرمایه‌گذاری عملی در سطح ( $۰/۰۵$ ) رابطه معنی‌داری داشت. الگوی سازنده متقابل الگوی همکاری و احترام است، با توجه به اینکه نمونه پژوهش حاضر یک نمونه مواجه با طلاق است طبیعی است که معیارهای ارتباطی آن‌ها با اقبال و همکاری و احترام زیادی روبه‌رو نشده باشد و گرنه به طور طبیعی بایست مشکلی وجود نمی‌داشت و الگوی سازنده رتباط از میل آنها به طلاق می‌کاست. الگوی اجتناب متقابل نیز با معیار قدرت در سطح ( $۰/۰۵$ ) و با سرمایه‌گذاری بیانی و عملی در سطح ( $۰/۰۱$ ) رابطه معنی‌دار داشت و الگوی ارتباطی توقع / کناره‌گیری با هر چهار معیار ارتباطی دارای رابطه معنی‌دار در سطح ( $۰/۰۱$ ) بود. در تبیین این یافته می‌توان گفت تحقیقات مختلف نشان می‌دهد الگوهای ارتباطی وابسته به نوع معیارها و باورهای ارتباطی‌اند (اپستین و بوکام، ۲۰۰۲؛ اپستین و همکاران، ۲۰۰۵؛ کرسیتسن و سالوی، ۱۹۹۱). لذا هرگاه معیارهای ارتباطی در فردی بالا باشد وی

به پیگیری بایدهای خود در ارتباط زناشویی اش می‌پردازد، حال اگر از برآوردن آن‌ها راضی باشد مشکلی پیش نمی‌آید حال اینکه تقاضای طلاق خلاف آن را اثبات می‌کند و از آنجایی که رابطه معیارهای ارتباطی غیرواقعی با الگوی سازنده متقابل در آن‌ها منفی بود نشان از نوعی برخورد و تصادم معیارها و برآورده نشدن آن‌ها دارد، همچنین در مورد رابطه معنی‌دار الگوی توقع / کناره‌گیری با معیارهای ارتباطی نیز می‌توان گفت با اعتقاد به بایدهای رابطه معمولاً طرف مطالبه‌کننده به دنبال تحقق خواسته‌های خود است و از آنجایی که در تمام موارد رابطه دو متغیر مثبت شد، می‌توان حدس زد که آن‌ها در زندگی شخصی خود همواره بر تحقق معیارهای خود مصر بوده‌اند و حال آنکه به دلایل متعدد پیگیری آن‌ها منجر به کناره‌گیری و اجتناب همسر آن‌ها از رابطه به‌عنوان یک الگوی ارتباط معمول گشته است. در تبیین رابطه الگوی اجتناب متقابل نیز می‌توان گفت که معیارهای ارتباطی بالا اگرچه معمولاً پیگیری فرد را به دنبال دارد لیکن با توجهی و یا کناره‌گیری همسر کم‌کم به ایجاد فاصله عاطفی انجامیده و درواقع الگوی توقع / کناره‌گیری اکنون بخشی از نیروی خود را به الگوی اجتناب متقابل داده است، لذا حرف دل فرد خواهان این است که حال که او به من بی‌توجه و بی‌میل است من نیز به او اهمیتی نخواهم داد. البته علت معنادار نشدن رابطه معیار مرز را با الگوی اجتناب متقابل این‌گونه تبیین کرد که در حوزه تصمیم‌گیری و صرف اوقات مشترک بیشتر نیرو به سمت پیگیری خواسته‌ها رفته و کمتر اجتنابی از طرف مدعی تحقق معیارها صورت گرفته است. این امر در رابطه قوی معیار مرز با الگوی توقع / کناره‌گیری قابل توجیه است ( $p < 0/01$ ,  $r = 0/50$ ). معیارهای ارتباطی عبارت‌اند از باورهای اشخاص در مورد اینکه به‌طور ایده آل روابط آن‌ها باید چگونه باشد، درواقع معیارهای ارتباطی بدون توجه به اینکه در چه بافت محیطی و فرهنگی وجود دارند به‌عنوان یک نشانه در جهت ارزیابی افراد از روابط خود به کار می‌روند (بوکام و همکاران، ۱۹۸۹). پاسکال، کریستین و جین (۲۰۰۸) معتقدند طرح‌واره‌های شناختی موجب سوگیری در تفسیر رویدادها می‌شوند و این سوگیری در آسیب‌شناسی روابط بین فردی (زوجی) به‌صورت سوءتفاهم‌ها، نگرش‌های تحریف‌شده، گمانه‌های نادرست، اهداف و ایده‌آل‌های غیرواقع‌بینانه تجلی می‌یابند. همچنین یانگ (۲۰۰۷) معتقد است این طرح‌واره‌ها به رابطه با خود و دیگران مربوط می‌شوند و به‌شدت ناکارآمدند و دی‌آندریا (۲۰۰۴) آن‌ها را با هیجان‌ات مثبت، اعتمادبه‌نفس و سازگاری متقابل زوجین دارای رابطه منفی می‌داند.

فرضیه دوم مبنی بر این بود که معیارهای ارتباطی می‌توانند دلزدگی زناشویی را در زنان متقاضی طلاق پیش‌بینی کنند. نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد که رگرسیون چندگانه اجرا شده مدل حاکی از تأیید این توان پیش‌بینی است ( $p < 0/01$ ,  $F_{reg} = 47/26$ ). تحقیقات مختلف نشان می‌دهد افزایش خواسته‌ها و مطالبات شخصی از رابطه زناشویی و عدم برآورده شدن آن‌ها در واقعیت نتیجه‌ای جز نارضایتی و دلزدگی زناشویی به دنبال ندارد (اپستین و بوکام، ۲۰۰۲؛ مولر، راب و نورتجی، ۲۰۰۱؛ کاهن و وسایرز، ۲۰۰۵؛ ادیب راد،

۱۳۸۵؛ پاییز و همکاران، ۲۰۱۱). لذا می‌توان گفت به میزانی که زنان متقاضی طلاق در زندگی آشفته منتهی به درخواست طلاق خود معیارهای ارتباطی غیرواقعی بالاتری از همسر و رابطه خود داشته باشند، دلزدگی آن‌ها نیز از رابطه زناشویی بیشتر خواهد بود. در واقع مادامی که این زنان معتقدند در حوزه قدرت همیشه باهم تصمیم‌گیری کنند، و در مرز همیشه باهم باشند و همسر آن‌ها همیشه به آن‌ها ابراز بیانی داشته باشد و همواره در راه خوشحال کردن آن‌ها بکوشد، این معیارها در حد معقول مناسب است اما مشکل در باید انگاری آن‌هاست و تأکید بر همیشه و همه‌جا. لذا چون وابسته به نیازها و طرحواره‌های کودکی‌اند معمولاً سیری ناپذیرند و لذا در مقابل هر نوع بی‌توجهی همسر حساسیت نشان داده و ممکن است نارضایتی خود را با ایجاد تنش و دعوا در فضای رابطه و متهم کردن طرف مقابل به بی‌توجهی به نیازهای خود، ابراز کنند و در نهایت با ادامه تنش و نارضایتی به حالتی از دلزدگی زناشویی برسند. آلبرت الیس (۱۹۷۷) به نقش منفی عقاید غیرمنطقی و یا معیارهای سخت و غیرواقعی که افراد در باب روابط صمیمانه خود دارند در روش‌های ارتباطی و صمیمیت زناشویی تأکید داشت. معیارهای ارتباطی غیرواقعی سبب می‌شود یکی از زوجین، دیگری را مجبور به کاری کند که برای او درونی نشده است و احساس کفایت و خودمختاری و اراده او را که تأمین‌کننده نیاز به شایستگی است به خطر انداخته و منجر به مقاومت او و پاسخ منفی کاهش‌دهنده صمیمیت و رضایت زناشویی می‌شود (اوزیسیل، ۲۰۱۲). هماهنگ شدن کامل یک نفر با استانداردها و معیارها و انتظارات سرسختانه و غیرواقعی طرف دیگر بسیار سخت و حتی گاهی غیرممکن است، در صورت عدم هماهنگی نتیجه نارضایتی و دلزدگی زناشویی است و در صورت هماهنگی و وجود رضایت زناشویی نیز به این معنا نیست که نمی‌تواند مضر باشد بلکه همواره فرد در حالتی از اضطراب شکستن معیار و برآورده نشدن آن به سر می‌برد و معلوم نیست این رضایت چقدر می‌تواند دوام داشته باشد و یا به مسخ فرد تحت فشار نینجامد چرا که این معیارها و انتظارات غیرمنطقی همواره با کلمات (هرگز)، (همیشه) و (باید) شناخته می‌شوند و هنگامی که برآورده نشوند فرد را به عدم رضایت از رابطه با طرف مقابل سوق می‌دهند. معیارهای ارتباطی غیرواقعی در واقع همان قواعد زندگی کم‌انعطافی هستند که افراد در جهت عکس طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه بر مبنای سبک مقابله جبران افراطی در برخورد با طرح‌واره‌های شناختی می‌سازند، آن چنانکه با تحقق آن‌ها دیگر رنج و ناراحتی آگاهی به طرح‌واره را تجربه نکنند و با عدم تحقق آن‌ها و بازگشت طرح‌واره و احساس آشفتنگی با متهم کردن دیگران و خلق درگیری و تعارض، صمیمیت و رضایت زناشویی کاهش می‌یابد.

فرضیه سوم عبارت بود از اینکه الگوهای ارتباطی می‌تواند دلزدگی زناشویی را در زنان متقاضی طلاق پیش‌بینی کند. مطابق یافته‌های جدول ۴ مدل پیش‌بینی چندگانه سه الگو معنادار است ( $F=۶۶/۵۱$ ،  $p<۰/۰۱$ ) و لذا فرضیه سوم نیز تأیید می‌گردد. در مورد رابطه منفی و مقدار  $T$  منفی الگوی سازنده متقابل می‌توان گفت تحقیقات مختلف همواره نشان داده است که الگوی ارتباطی سازنده از مشکلات زناشویی جلوگیری می‌کند (هیون و همکاران، ۲۰۰۶؛ اپستین و بوکام، ۲۰۰۲؛ کریستنسن و هیوی، ۱۹۹۰). لذا به دلیل



اینکه نمونه مورد مطالعه حاضر را زنان متقاضی طلاق تشکیل می‌دادند و طبیعتاً دلزدگی زناشویی زیادی داشتند، کمتر از الگوی ارتباطی سازنده متقابل برخوردار بودند که اگر خلاف این بود دیگر تقاضای طلاق زیاد مطرح نبود. همچنین رابطه مثبت الگوی اجتناب متقابل و در نهایت الگوی توقع/کناره‌گیری با دلزدگی زناشویی نشان می‌دهد افرادی که دلزدگی زناشویی بالایی دارند مثل زنان متقاضی طلاق همواره بیشتر از الگوهای ارتباطی غیر سازنده‌تری همچون اجتناب متقابل و توقع/کناره‌گیری استفاده می‌کنند و همین الگوهای غیر سازنده ارتباطی است که می‌تواند عامل دلزدگی کنونی و میل به جدایی و طلاق در باشد. این یافته نیز با یافته‌های تحقیقات (اسمیت، هیون و سیاروچی، ۲۰۰۸؛ گاتمن و کروکف، ۱۹۸۹؛ هون و همکاران، ۲۰۰۶؛ گرین و برلسون، ۲۰۰۳؛ هوی، کریستنسن و مالموت، ۱۹۹۵؛ نولر و همکاران، ۱۹۹۴؛ گاتمن و لوینسون، ۲۰۰۰؛ وایمان نژاد، ۱۳۸۸) نزدیک است.

### نتیجه‌گیری

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد با تأکید بر پذیرش آنچه در واقعیت زندگی زناشویی وجود دارد و کاهش معیارهای ارتباطی غیرواقعی در چهار حوزه مهم (قدرت/کنترل، مرز و سرمایه‌گذاری‌های بیانی و عملی) و اصلاح الگوهای ارتباطی نامناسب در زندگی زوجین احتمال گرفتار شدن آنان به آسیب‌هایی همچون دلزدگی زناشویی کمتر می‌شود. همچنین این نتایج می‌تواند در مراکز مشاوره و خدمات روانشناسی و مشاوره ازدواج و خانواده در جهت کاهش توقعات و معیارهای ارتباطی غیرواقع‌بینانه و عقاید غیرمنطقی بکار گرفته شود، و با آموزش الگوهای ارتباطی سالم در کاهش دلزدگی زناشویی در میان زنان متأهل مؤثر بوده و سهم عمده‌ای در کاهش آمار طلاق و عوارض ناشی از سطح پایین صمیمیت و بالا رفتن دلزدگی زناشویی در زنان داشته باشد. از آنجایی که به دلیل برخی محدودیت‌ها از جمله عدم دسترسی به مردان درگیر بحران طلاق، رابطه معیارهای ارتباطی و الگوهای ارتباطی و نقش آن‌ها در پیش‌بینی دلزدگی زناشویی مقدور نبود پیشنهاد می‌شود به این رابطه در نمونه مردان نیز پرداخته و با نمونه زنان این تحقیق مقایسه گردد. در پایان، نویسندگان از کلیه زنان شرکت‌کننده در تحقیق و خانواده‌های آن‌ها و همچنین از مسئولین محترم همکاری کننده در اجرای پژوهش تقدیر و تشکر به عمل می‌آورند.

### منابع

- ادیب راد، نسترن (۱۳۸۵). بررسی رابطه دلزدگی زناشویی و دلزدگی شغلی زنان شاغل در خدمات پرستاری. *پژوهش‌های مشاوره*، شماره ۱۹، ۳۵ - ۴۸.
- ایمان نژاد، کبری (۱۳۸۸). بررسی رابطه الگوهای ارتباطی با سلامت روانی و رضایت زناشویی زوجین. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه تهران.
- برازنده، هدی، صاحبی، علی؛ امین یزدی، امیر؛ مهram، بهروز (۱۳۸۵). رابطه معیارهای ارتباطی با سازگاری زناشویی. *فصلنامه روانشناسان ایرانی*، ۲(۸)، ۳۱۹ - ۳۳۰.
- بشارت، محمدعلی (۱۳۹۱). رابطه ترس از صمیمیت و رضایت زناشویی در نمونه‌ای از زوجین ایرانی: نقش تعدیل‌کننده سبک‌های دلبستگی. *دو فصلنامه مشاوره کاربردی*، ۲(۱)، ۱ - ۱۸.
- بشارت، محمدعلی؛ تیکدری نژاد، آفریده؛ بهرامی احسان، هادی؛ رضا زاده، محمدرضا (۱۳۹۱). نقش تعدیل‌کننده سبک‌های دلبستگی در رابطه عقاید غیرمنطقی و مشکلات زناشویی. *دو فصلنامه مشاوره کاربردی*، ۲(۲)، ۲۹ - ۴۴.
- خجسته مهر، رضا؛ عطاری، یوسف علی و شیرالی نیا، خدیجه (۱۳۸۷). تأثیر آموزش مهارت‌های ارتباطی بر الگوهای ارتباطی و احساسات مثبت نسبت به همسر در زوجین شهر اهواز. *فصلنامه تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره*، ۷(۲۷)، ۹۶ - ۸۱.
- عبادت پور، بهناز (۱۳۷۹). هنجاریابی پرسشنامه الگوهای ارتباطی زناشویی در شهر تهران در سال ۷۹-۷۸. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه تربیت معلم تهران.
- فرقانی، رضوان (۱۳۸۰). بررسی اثربخشی آموزش گروهی شناختی رفتاری بر رضایت زناشویی. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مشاوره خانواده*. اصفهان: دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی.
- نیکولز، مایکل پی و شوارتز، ریچارد (۱۳۸۷). خانواده‌درمانی: مفاهیم و روش‌ها ترجمه: دهقانی، محسن و همکاران. تهران: انتشارات دانژه.
- هالفورد، ک. دبلیو (۱۳۸۷). زوج‌درمانی کوتاه‌مدت، یاری بخشی زوجین برای کمک به خودشان، ترجمه: تبریزی، مصطفی؛ کاردانی، مؤده؛ و جعفری؛ فروغ. تهران: انتشارات فراروان.

Baucom, D. H., Epstein, N., Sayers, S. L., & Sher, T. G. (1989). The role of cognitions in marital relationships: Definitional, methodological, and conceptual issues. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 57, 31-38.

- Baucom, D. H., & Lester, G. W. (1986). The usefulness of cognitive restructuring as an adjunct to behavioral marital therapy. *Journal of Behavior Therapy*, 17, 385-403
- Baucom, D. H., & Epstein, N. (1990). *Cognitive-behavioral marital therapy*. New York: Brunner/Mazel.
- Baucom, D. H., Epstein, N., Rankin, L. A., & Burnett, C. K. (1996). Assessing relationship standards: The Inventory of Specific Relationship Standards. *Journal of Family Psychology*, 10, 72-88.
- Christensen, A., & Shenk, J. L. (1991). Communication, conflict, and psychological distance in non distressed, clinic and divorcing couples. *Journal of Consulting & Clinical Psychology*, 59 (3), 458-463.
- Christensen, A. & Sullaway, R. J. (1991). Communication, conflict, and psychological distance in non distressed, clinic and divorcing couples. *Journal of consulting and clinical Psychology*, 59, 458-463.
- Christensen, A., & Heavy, C. L. (1990). Gender and social structure in the demand /withdraw pattern of marital conflict. *Journal of personality and social Psychology*, 59, 73-81.
- Cloven, D. H. & Roloff, M. C. (1990). The chilling effect in interpersonal relationships: The reluctance to speak one's mind. In Cahn, D.D. et al (Eds). *Intimates in conflict: A communication perspective*. Hillsdale, NJ: Erlbaum.
- D'Andrea, J. T. (2004). An investigation of the relationship between early maladaptive schemas and psychological adjustment: The moderating effects of spiritual coping styles. Unpublished doctoral dissertation, New York University.
- Ehrensaft, M. K., Langhinrichsen, J., Heyman, R. E., O'Leary, K. D., & Lawrence, E. (1999). Feelings controlled in marriage: A phenomenon specific to physically aggressive couples? *Journal of Family Psychology*, 13, 20-32.
- Ellis, A. (1977). The nature of disturbed marital interactions. In A. Ellis & R. Grieger (Eds.), *Handbook of rational-emotive therapy* (pp. 170-176). New York: Springer.
- Emmelkamp, P. (1985). Communication skills training and cognitive therapy. Paper presented at the 15<sup>th</sup> Annual Convention of the European Association for Behavior Therapy, Munich, West Germany.

- Epstein, N., & Eidelson, R. J. (1981). Unrealistic beliefs of clinical couples: Their relationship to expectations, goals and satisfaction. *American Journal of Family Therapy*, 9, 13–22.
- Epstein, N., Pretzer, E., & Fleming, B. (1982). Cognitive therapy and communication training: Comparisons of effects with distressed couples. Paper presented at the 16<sup>th</sup> Annual Convention of the Association for the Advancement of Behavior Therapy, Los Angeles, America.
- Epstein, N. (1982). Cognitive therapy with couples. *American Journal of Family Therapy*, 10(1), 5–16.
- Epstein, N., & Baucom, D. H. (1993). Cognitive factors in marital disturbance. *Journal of Psychopathology and cognition*, 4, 351–385.
- Epstein, N., & Baucom, D. H. (2002). Enhanced cognitive-behavioral therapy for couples: A contextual approach. Washington, DC: American Psychological Association.
- Epstein, N., Chen, F., & Beyder-Kamjou, I. (2005). Relationship standards and marital satisfaction in Chinese and American couples. *Journal of Marital and Family Therapy*, 31, 59–74.
- Fincham, F. D., & Beach, S. R. H. (1999). Marriage in the new millennium: Is there a place for social cognition in marital research?. *Journal of Social and Personal Relationships*, 16, 685–704.
- Gottman, J., & Levenson, R. W. (2000). The timing of divorce: Predicting when a couple will divorce over a 14-year period. *Journal of Marriage and Family*, 62, 737-745.
- Gottman, J. M. (1994). What predicts divorce? The relationship between marital processes and marital outcomes. Hillsdale, NJ: Lawrence Erlbaum.
- Gottman, J. M., & Krokoff, L. J. (1989). Marital interaction and satisfaction: A longitudinal view. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 57, 47–52.
- Greene, J. O., & Burlison, B. R. (2003). Handbook of communication and social interaction skills. Mahwah, NJ: Erlbaum.
- Huber, C. H., & Milstein, B. (1985). Cognitive restructuring and a collaborative set in couples' work. *American Journal of Family Therapy*, 13, 17-27.
- Hamamci, Z. (2005). Dysfunctional relationship beliefs in marital satisfaction and adjustment. *Journal of Social Behavior and Personality*, 33, 313-328.

- Heaven, P. C. L., Smith, L. M., Prabhakar, S., Abraham, J., & Mete, M. E. (2006). Personality and conflict communication patterns in cohabiting couples. *Journal of Research in Personality*, 40, 829–840.
- Heavy, C. L., Christensen, A., & Malamute, N. M. (1995). The longitudinal impact of demand and withdrawal during marital conflict. *Journal of consulting and clinical psychology*, 63, 797- 801.
- Heavey, C. L., Larson, B., Zumtobel, D. C., & Christensen, A. (1996). The Communication Patterns Questionnaire: The reliability and validity of a constructive communication subscale. *Journal of Marriage and the Family*, 58, 796–800.
- Jones, E. M., & Stanton, A. L. (1988). Dysfunctional beliefs, beliefs similarity, and marital distress: a comparison of models. *Journal of Social and Clinical Psychology*, 7, 1–14.
- Karney B .R., & Bardbury, T. N. (1997). Neuroticism, marital interaction and the trajectory of marital satisfaction. *Journal of Person and Social Psycho*, 2, 1075-1092.
- Kohn, C. S., & Sayers, S. L. (2005). Extreme relationship standards in the context of discordant and non discordant couples. *Journal of Cognitive and Behavioral Practice*, 12, 319–323.
- Lorentz, C. D. (2002). Husband and wife communication behaviors: A look at gender difference and their relationship to satisfaction and distress. Ph. D. Dissertation, university of Wyoming.
- Moller, A. T., & Van Zyl, P. D. (1991). Relationships beliefs, interpersonal perception and marriage adjustment. *Journal of Clinical Psychology*, 47, 28–33.
- Moller, A .T., Rabe, H. M., & Nortje, C. (2001). Dysfunctional beliefs and marital conflict in distressed and non-distressed married individuals. *Journal of Rational-Emotive & Cognitive Behavior Therapy*, 19, 259–270.
- Margolin, G., John, R., & Gleberman, L. (1988). Affective responses to conflictual discussions in violent and nonviolent couples. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 56, 24-33.
- Markman, H. J., Stanley, S. M., Jenkins, N. H., Petrella, J. N., & Wadsworth, M. E. (2006). Preventive education: Distinctive and directions. *Journal of Cognitive Psychotherapy*, 20, 411-433.

- Noller, P., Beach, S., & Osgarby, S. (1997). *Cognitive and affective processes in marriage*. In W. K. Halford & H. J. Markman (Eds.), *Clinical handbook of marriage and couples interventions* (pp. 43–71). Chichester, UK: Wiley.
- Noller, P., Feeney, J.A., Bonnell, D., & Callan, V. J. (1994). A longitudinal study of conflict in early marriage. *Journal of Social & Personal Relationships*, 11, 233-252.
- Nieuwenhuijsen, K., Verbeek J., De Boer A., Blonk R., & Van Dijk, F. (2010). Irrational beliefs in employees with an adjustment, a depressive, or an anxiety disorder. *Journal of Rational –Emotive Cognitive-Behavior Therapy*, 28, 57-72.
- Northey, W. F. (2002). Characteristics and clinical practices of marriage and family therapists: A national survey. *Journal of marital and family therapy*, 28, 487-494.
- Ozyesil, z. (2012). Mindfulness and psychological needs: across cultural comparison. *Journal of Elementary Education*, 11, 151-160.
- Pascal, A., Christine, A., & Jean, L. (2008). Development and validation of the Cognitive Inventory of Subjective Distress. *International Journal of Geriatric Psychiatry*, 23, 1175-1182.
- Pines, A. M. (2005). The Burnout Measure Short Version (BMS). *International Journal of Stress Management*, vol.12,78-88.
- Pines, A. M. & Nunes, R. (2003). The relationship between career and couple burnout: implications for career and couple counseling. *Journal of Employment Counseling*, 40, 2, 50-64.
- Pines, A. M., Neal, M. B., Hammer, L. B., & Icekson, T. (2011). Job burnout and couple burnout in dual-earner couples in the sandwiched generation. *Journal of Social Psychology Quarterly*, 74, 361-386.
- Stackert, R., & Bursik, K. (2003). Why am I unsatisfied? Adult attachment still, gendered irrational relationships beliefs, and young adult romantic relationship satisfaction. *Journal of Personality and Individual Differences*, 34, 1419–1429.
- Sprecher, S., Wenzel, A., & Harvey, J. (2008). *Handbook of relationship initiation*. New York: Psychology Press
- Straus, M.A., & Gelles, R. J. (1990). *Physical violence in American families: Risk factors and adaptations to violence in 8,145 families*. New Brunswick, NJ: Transaction.

- Sullivan, L. J., & Baucom, D. H. (2005). Observational coding of relationship schematic processing. *Journal of Marital and Family Therapy*, 31, 31-43.
- Smith, L. M., Heaven, P. C. L., & Ciarrochi, J. (2008). Trait emotional intelligence, conflict communication patterns, and relationship satisfaction. *Journal of Personality and Individual Differences*, 44, 1314-1325.
- Vangelisti, A.L., & Daly, J. A. (1997). Gender Differences in Standards for Romantic Relationships. *Journal of Personal Relationships*, 4, 203-219.
- Wunderer, E., & Schneewind, K. A. (2008). The relationship between marital standards, dyadic coping and marital satisfaction. *European Journal of Social Psychology*, 38, 462-476.
- Walker, A.J., & Thompson, L. (1983). Intimacy and intergenerational aid and contact among mothers and daughters. *Journal of Marriage and Family*, 45, 841-849.
- Young, J. E. (2007). The relationship between appearance schemas, self-esteem, and indirect aggression among college women. Doctoral thesis. Oklahoma State University.
- Young, M. & Long, L. (1998). Counseling and therapy for couples. New York: brooks Cole Publication Company.